

مقامات محلی افغانستان از کشته‌شدن هشت کارگر معدن راز خنکی خبر دادند. به گزارش ایسنا، بنابر اعلام مقامات محلی ولایت سمنگان نشت گاز سمی و انباشت آن موجب هشت‌هشت کارگر که داخل معدن زغال سنگ مشغول کار بودند، جان خود را دست‌بدهند. مقامات محلی اظهار کردند: در بیشتر معادن زغال سنگ این منطقه، نکات ایمنی رعایت نمی‌شود. بنابر اعلام خبرگزاری شینه‌وا، در اوایل ماه جاری میلادی نیز دست‌کم شش کارگر جان خود را دست‌دادند.

از میان خبرها

-
-
-

واژگونی اتوبوس در لرستان ۵ قربانی گرفت



فرمانده انتظامی شهرستان دورود گفت: در واژگونی اتوبوس محور دورود- خرم‌آباد پنج نفر کشته و ۳۸ نفر مصدوم شدند.

سرهنگ نبی‌ا... قاسمی درباره واژگونی اتوبوس در مسیر دورود به خرم‌آباد اظهار کرد: شب گذشته ساعت ۲۱:۱۰ یک دستگاه اتوبوس مسافربری در ۵ کیلومتری خروجی دورود به سمت پلیس راه‌واژگون شده است.

وی با اشاره به این‌که این اتوبوس دارای ۴۸ مسافر بوده که پنج نفر سالم هستند، افزود: این اتوبوس که حامل زائران کوه‌دشتی و در حال بازگشت از سفر زیارتی چمکران بود ۳۸ نفر مصدوم و پنج کشته بر جای گذاشته است، ۳۶ نفر از مصدومان به بیمارستان هفت تیر دورود و همچنین دو مصدوم دیگر نیز به بیمارستان نرگس دورود منتقل شدند.

به گزارش تسنیم، فرمانده انتظامی شهرستان دورود با بیان این‌که هنوز پلیس راه علت حادثه را اعلام نکرده است، افزود: چهار زن و یک پسر ۱۱، ۱۰ ساله از کشته‌های واژگونی اتوبوس هستند.

سرت خانوادگی بانوزاد یک ساله و کالسکه کودک

ساجدی– ماموران انتظامی مشهد با حضور در محل سرت‌زن جوانی را دستگیر کردند که نوزادی یک ساله داخل کالسکه را نیز با وسایل سرت‌نی حمل می کرد و در حال فرار بود. این زن جوان که راهی جیز بیان حقیقت نمی دید اعتراف کرد از یک ماه قبل با همدستی همسرش و همچنین با حضور فرزند یک ساله شان مرتکب سرت می شوند.

با کشف دو میلیون تومان وسایل سرت‌نی از این زن جوان تحقیقات برای دستگیری شوهر فراری این زن و کشف دیگر سرت‌های متهمان ادامه دارد.

متهم پرونده در تحقیقات اولیه ادا کرد: چندی قبل هم با همسرم از پارکی در کوی امیردو عدد قیچی باغبانی سرت‌نم کردیم. زن جوان که به مواد مخدر اعتیاد دارد افزود: ما نوزادمان را همراه خود می بردیم تا هیچ کس شک نکند و من از همسرم هیچ نشانی ندارم چون صاحبخانه از خانه بیرون مان کرده است. زن ۳۴ ساله در پایان گفت: شوهر معتمد، فرزندیک ساله مان را هم معتمد کرده و به‌وی شیر و تریاک می دهد.

ساجدی- جانشین فرماندهی انتظامی استان خراسان

رضوی از درگیری مسلحانه در تعقیب و گریز پلیسی برای دستگیری دو گرداننده باند حرفه ای سرت‌نم در مشهد خبر داد. سرهنگ «ابراهیم قربان زاده» در تشریح این عملیات ضربتی گفت: با توجه به گزارش سرت‌های خیابانی در منطقه آبکوه مشهد و دستبرد به وسایل داخل خودروهای سواری، طرح ویژه‌ای برای پیگیری سریع موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت. جانشین فرماندهی انتظامی استان خراسان



خنکی هشت کارگر معدن در افغانستان

تعقیب و گریز مسلحانه برای دستگیری ۲ گرداننده باند سرت

انتظامی افزود: عملیات تعقیب و گریز آغاز شد و یکی از سرنشینان صندلی عقب خودروی پژو ۲۰۶ با استفاده از اسلحه کلت ساچمه‌ای به سمت خودروی گشتی پلیس شلیک کرد. وی گفت: ماموران انتظامی در این تعقیب و گریز خیابانی با استفاده از قانون به کارگیری سلاح، خودروی پژو ۲۰۶ متهمان را که بررسی مشخصات پلاک آن نشان می داد سرت‌نی است از ناحیه لاستیک خودروی پژو ۲۰۶ شدند که یک خانم و مرد جوان دیگر سرنشین آن بودند و به سرعت متواری شدند. این مقام

نگرانی ازموج گردوغبار ناشی از رسوبات سیل

سیلاب ۵ مسیر ارتباطی سیستان را بست



رودخانه هیرمند در معرض آب گرفتگی قرار گرفتند.

در همین حال معاون مدیرکل دفتر مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان گفت: پنج مسیر ارتباطی اصلی و فرعی بر اثر جاری شدن سیلاب رودخانه هیرمند به شمال استان بسته شده است. روح...۱ سرگزی روز دوشنبه در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: هم‌اینک مسیرهای بنجار- هیرمند، زابل- هیرمند، نیمروز- هیرمند، بی‌بی

■ سیلاب ۵ مسیر

ارتباطی سیستان را بست
در همین حال در حالی که رئیس سازمان مدیریت بحران کشور از پایان شرایط اضطراری در استان خوزستان خبر داده است گزارش‌ها از سیستان و بلوچستان حاکی است سیلاب با سیل وارد شده از افغانستان به این استان همچنان ادامه دارد و بر اثر تخریب بخشی از

سیل بند نیاتک در شمال سیستان و بلوچستان برخی روستاهای شهرستان هیرمند دچار آب گرفتگی شدند؛ به طوری که تاکنون سه روستا بر اثر شدت حجم ورودی سیلاب تخلیه شدند. سیلاب‌های غیر قابل کنترل افغانستان از اواخر اسفند سال گذشته در منطقه کینتل جاری شده است. روستاهای شهرستان هیرمند در شمال سیستان و بلوچستان نیز بر اثر شدت یافتن سیلاب از شمال کشور عربستان به سمت استان خوزستان است.

وضعیت باران شیخی، دختر گمشده اراکی، به یک معما تبدیل شده است. ۱۰ روز از گم شدن باران هشت‌ساله می‌گذرد، اما به رغم خبرهای اعلام‌شده توسط برخی مقامات استان مرکزی، وی هنوز به آغوش خانواده برنگشته است. باران شیخی دختر هشت ساله اهل شهر مهاجران شهرستان شازند اراک است که ناپدید شدن او به یکی از موضوعات داغ در فضای مجازی تبدیل شده است. شایعات و خبرهای ضدوتقضی در باره وضعیت باران شیخی منتشر شده و هنوز پس از ۱۰ روز، سرنوشت وی در هاله‌ای از ابهام است. به گزارش مردم‌سالاری آنلاین، باران آخرین بار در صبح روز ۲۴ فروردین از خانه خارج شد تا به مدرسه‌اش در خیابان اطلسی شهر مهاجران برود. مدرسه تنها ۱۵۰ قدم با خانه باران و والدین وی فاصله دارد؛ با این حال، دخترچه هشت‌ساله در همین مسیر گم‌تاه ناپدید شده

داستان مفقود شدن باران ۸ ساله هنوز به سرانجام نرسیده است

معمای دختر گمشده اراکی

وضعیت باران شیخی مشخص نشده و این امر بر ابهامات افزوده است. روز گذشته، بهروز ارکرمی معاون سیاسی امنیتی استانداری مرکزی درباره آخرین وضعیت پرونده باران شیخی گفت: «جزئیات ماجرای باران پس از پیدا شدنش گفته می‌شود، زیرا هم اکنون نمی‌توان سنجی از سرنوشت باران مطرح کرد. احتمال دارد هر گونه مصاحبه‌ای در این باره، فرایند پیدایش باران را پیچیده‌تر کند. جان انسان هایش از هر موضوع دیگری ارزشمند است و اطلاع‌رسانی به مردم در اولویت‌های بعدی قرار دارد؛ لذا هر اقدامی که باعث شود جان باران به خطر بیفتد، نباید انجام شود.» پلیس حتی اعلام

حوادث

در امتداد تاریکی

-
-
-

ماجرای ۴ سال خواستگاری!

از روزی که فهمیدم همسرم با دختران غریبه ارتباط دارد یاس و ناامیدی سر اسر وجودم را فراگرفت به طوری که حیران و سرگردان شده بودم و نمی دانستم چگونه باید این مشکل را حل کنم چرا که زندگی ام به هم ریخته بود و همسرم نیز توجهی به من نداشت این بود که به پیشنهاد مادر شوهرم تصمیم گرفتم تا...

نوعروس ۲۰ ساله ای که فقط چهار ماه بعد از ازدواج راهی کلانتری شده بود تا به اتهام ضرب و جرح عمدی و توهین و فحاشی از همسرش شکایت کند در حالی که بیان می کرد، کاش تفاوت های فرهنگی و اجتماعی یا همسرم را جدی می گرفتم که این گونه زندگی ام در آستانه نابودی قرار نگیرد، به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سپاد مشهد گفت: کودک خردسالی بودم که به همراه خانواده ام از افغانستان به مشهد مهاجرت کردیم و در یکی از شهرک های حاشیه شهر ساکن شدیم تا این که حدود چهار سال قبل پسر جوانی عاشقم شد.

آن ها در محله مازندگانی می کردند و من هر بار که از منزل بیرون می رفتم او را می دیدم. «عابد» شغل مناسبی نداشت و همواره در کوچه و خیابان بود بالاخره ابراز علاقه های او به جایی رسید که خانواده اش را برای خواستگاری به منزل ما فرستاد اما پدرم در همان جلسه اول خواستگاری مخالفت خودش را با این ازدواج آشکارا بیان کرد و به خانواده عابد گفت: ما از نظر فرهنگی و اجتماعی با یکدیگر تفاوت های اساسی داریم از سوی دیگر نیز ما تبعه افغانستان هستیم و امکان دارد با فراهم شدن شرایط مناسب به کشور خودمان بازگردیم که در آن صورت نیز احتمال بروز اختلافاتی برای محل سکونت د ختمم وجود دارد و... اگرچه آن شب خانواده عابد با شنیدن مخالفت پدرم از منزل لمان رفتند اما او دست بردار نبود و چندین بار دیگر نیز با واسطه کردن افراد مختلف از من خواستگاری کرد.

بالاخره چهار سال از ماجرای اولین خواستگاری خانواده عابد می گذشت تا این که پدرم نتوانست در برابر سماجت های عابد مقاومت کند و در نهایت با شرایطی به ازدواج ما رضایت داد.

پدرم در آخرین جلسه خواستگاری گفت: طبق آداب و رسوم ما، خانواده عروس حتی یک ریال برای جهیزیه نمی پردازند اما از سوی دیگر من شیربهای دخترم را کامل می گیرم و... آن شب عابد و خانواده اش شروط پدرم را پذیرفتند و گفتند که میاحنی مانند تفاوت های فرهنگی و اجتماعی فقط سخنان بی ارزش است که روشنفکران مطرح می کنند و گرنه مهم آن است که دو جوان همدیگر را دوست داشته باشند!

بالاخره چهار ماه قبل هنوز یک هفته بیشتر از ازدو اجمان نگذشته بود که متوجه شدم همسرم با چند دختر دیگر در همان محله و رابط نامتعارف دارد و جوانی پر خاشگر است.

چاره ای نداشتم جز آن که این ماجرا را برای مادر شوهرم بازگو کنم او هم که گویی از این موضوع اطلاع داشت خیلی خونسرد گفت: اگر باردار شوی پدرم با دختران دیگر قطع رابطه می کند و توجهش به تو بیشتر می شود با آن که هنوز از دواج به ما طور رسمی ثبت نشده بود من به پیشنهاد مادر شوهرم باردار شدم.

تا این که دو ماه قبل خواهر ۱۵ ساله ام مشغول بازی با گوشی تلفن همراه بود که ناگهان همسرم با دیدن این صحنه او را با کمر بند سیاه و کبود کرد ولی من و مادرم از همسرم حمایت کردیم تا پدرم ما را به خاطر رفتارهای خشن عابد سرزنش نکند چرا که اصرارهای من و مادرم منجر به این ازدواج شده بود.

در همین حال خواهرم به خاطر نداشتن امنیت جانی با اوژانسی اجتماعی تماس گرفت و آن ها او را به پهنرستی بردند. همسرم که جری تر شده بود مدتی بعد من و مادرم را نیز به طور وحشیانه ای کتک زد و مدعی شد چون ازدواج ما رسمی نیست کاری هم از دست شما بر نمی آید

... و

شایان ذکر است به دستور سرهنگ زمینی (رئیس کلانتری سپاد) پرونده این زوج در حالی به دایره مددکاری کلانتری سپرده شد که بسیاری از جوانان به دلیل آشنا نبودن با قوانین ازدواج با اتباع خارجی، دچار مشکلات حاد و جبران ناپذیری می شوند.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

گروه باران برای تکمیل تیم فروش خود، به دنبال افرادی جوان، خلاق و پرتلاش است
دارای مدرک کارشناسی یا بالاتر در رشته های بازرگانی، معماری، کامپیوتر، صنایع و...
مسلط به دانش و مهارت فنون مذاکره
دارای روابط عمومی بالا
و مهارت برقراری ارتباط موثر
دارای مهارت برنامه ریزی شغلی،
ارائه گزارش و نتیجه گیری
دارای روحیه همکاری در گروه و کار تیمی
مسلط به استفاده از مجموعه نرم افزارهای آفیس و اینترنت
ترجیحاً آشنا با زبان انگلیسی جهت به روز رسانی دانش شغلی
ترجیحاً آشنا با صنعت ساختمان
و حوزه املاک
علاقه مندان به همکاری می‌توانند رزومه خود را به ایمیل job@baran.ir ارسال نمایند
<div><div><div><div><div></div><div><div>BARAN GROUP</div></div></div></div></div></div>